گفت‌وگو

شبکه‌سازی ارتباطی با وکلایی از شیعیان؛ اقدامی نو و بدیع در کارنامه امام موسی کاظم(ع)

امروز شعار چیز دیگری است

ریحانه عامل نیک | در مطالعه تاریخی سیره ائمه(ع) گاه نظر به یک جزء کوچک، پیامی بزرگ و درسی عمیق به ما می‌دهد. آنچنان که از حضرت رضا(ع) درباره پدر گرامیشان امام موسی کاظم(ع) نقل شده که فرمودند: نقش انگشتری پدرم موسی بن جعفر «حسبی اللّه» بود» (زندگانی حضرت امام موسی کاظم(ع)، ترجمه بحارالأنوار، ص ۱۱). انتخاب این ذکر به عنوان نقش انگشتری نشان‌دهنده عمق ظلمی است که خلفای زمانه بر حضرت موسی کاظم(ع) اعمال می‌کردند. به مناسبت شهادت پدر بزرگوار امام رضا(ع) امام موسی کاظم(ع)، با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا کامل تواب، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مطهری و عضو حلقه اجتهادی فقه سیاست و حکمرانی مدرسه علی فقاهت عالم آل محمد(ع) به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. در این گفت‌وگو به اقدامات اجتماعی و سیاسی حضرت و نکات کمتر مطرح شده از سیره ایشان پرداخته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

مقاومتی بر پایه هوش و کیاست

حجت‌الاسلام والمسلمین کامل تواب با اشاره به اینکه دوران امامت امام موسی بن جعفر حضرت کاظم(ع)، یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخی در زندگی سیاسی - اجتماعی شیعه است، بیان کرد: این برهه که در پی شهادت امام صادق(ع) و در اوج قدرت‌نمایی خلافت عباسی شکل گرفت، بازتابی از برخی واقعیت‌های تلخ تاریخ و همچنین الگویی بی‌بدیل برای مقاومت هوشمندانه است. بررسی دقیق این دوره نشان می‌دهد امام کاظم(ع) نه یک فرد منزوی و صرفاً مظلوم، بلکه رهبری بود که در کانون مبارزه‌ای طولانی، تشکیلاتی و همه‌جانبه علیه استبداد زمان خود قرار داشت. درک عمیق این دوران می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل کاربردی و درس عبرتی برای جامعه امروز ماتلقی شود.

براساس شواهد تاریخی و روایات، در دوران امام صادق(ع) بستر لازم برای یک تحول بنیادین و تشکیل حکومت عدل علوی فراهم شده بود. این سومین تلاش برنامه‌ریزی شده در تاریخ اسلام بود که قرار بود قطار بشریت منحرف شده، به ریل اصلی خود بازگردد. با این حال، عجله و عدم رعایت اصول امنیتی توسط برخی شیعیان، منجر به افشای این «سرّ مقدس» شد. این کارشکنی جمعی سبب شد برنامه‌ریزی‌های الهی در سطح اجرایی به نتیجه نرسد و بار دیگر مسیر تاریخ از راه اصلی منحرف شود.

طبق روایات، این اتفاق موجب شد جامعه‌ای که باید در آستانه پیروزی می‌بود، ناگهان با شکست سنگینی روبه‌رو شود؛ زیرا بی‌صبری آن‌ها مانع تحقق وعده‌ای شد که می‌توانست پایان دادن بر ظلم باشد. این شکست، جامعه را وارد فاز جدیدی از سرگردانی کرده و ضرورت تغییر استراتژی را در مقطع بعدی، یعنی دوران امام کاظم(ع) اجتناب‌ناپذیر کرد.

سه نشان و سه ویژگی بارز

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مطهری با مطرح کردن جلوه‌هایی از زندگی امام موسی کاظم(ع) تصور عمومی در مورد ایشان را اصلاح و مطرح کرد: برخلاف تصور رایج که امام کاظم(ع) را یک فرد «بی‌سر و صدا» و «سر به زیر» در مدینه می‌پندارد که ناگهان دستگیر و مسموم شد، واقعیت تاریخی چیز دیگری را فریاد می‌زند. همان‌طور که بیان شد، فشارهای طاقت‌فرسای امنیتی و زندان‌های طولانی مدت، خود گواهی بر این است که ایشان درگیر یک «مبارزه طولانی تشکیلاتی» بودند؛ مبارزه‌ای که با شعار چیز دیگری است، استراتژی خود را با شرایط تطبیق دادند اما از اصول جهاد و عدالت‌خواهی کوتاه نیامدند. زندگی و مبارزه ایشان به ما می‌آموزد زمان درگیر شدند و هیچ بعید نیست برخی قیام‌های بی‌دریی سادات در این دوره که اوضاع حکومت عباسی را متزلزل می‌کرد، با هدایت و حمایت‌های معنوی و سیاسی ایشان هماهنگ بود. این رویارویی دقیق و آگاهانه با قدرت، نشان‌دهنده عمق نفوذ و خطرناک بودن جریان امامت برای ساختار حاکمیت بود.

برای درک ابعاد شخصیتی و مأموریت امام کاظم(ع) باید به نمادهای موجود در حریم خصوصی ایشان توجه کرد. یکی از نزدیکان امام گزارش می‌دهد در اتاق خصوصی موسی بن جعفر(ع) سه چیز دیده می‌شد: «شمشیری که نشان‌دهنده هدف جهاد است، لباس خشنی که نشان‌دهنده زندگی خشونت‌بار رزمی و انقلابی بوده و قرآنی که نشان‌دهنده هدف نهایی یعنی رسیدن به زندگی قرآنی است». این ترکیب نمادین، پیامی روشن دارد؛ اینکه امام(ع) آماده بود با تمام سختی‌ها و ابزارهای رزمی برای تحقق حاکمیت قرآن تلاش کند و از آرمان‌های خود دست نکشد.

این نگاه تهاجمی و انقلابی، در برخورد مستقیم با هارون‌الرشید نیز مشهود است. زمانی که هارون برای خریدن آرامش و فریب افکار عمومی، پیشنهاد بازگرداندن «فدک» را داد، امام کاظم(ع) این پیشنهاد ظاهراً سخاوتمندانه را رد کردند. ایشان فرمودند: «من فدک را از تو نمی‌گیرم مگر به‌طور کامل و بعد حد آن را ترسیم کردند». وقتی هارون دریافت تحویل کامل فدک به معنای از بین رفتن پایه‌های حکومت اوست، گفت: «پس بیا جای من بنشین!» اما امام در پاسخی تاریخی فرمودند: «آن روز فدک شعار بود در مقابل دستگاه غاصب و امروز شعار، چیز دیگری است». این جملات نشان می‌دهد امام به دنبال هدف جزئی نبودند، بلکه هدف ایشان براندازی کل ساختار غاصب و استقرار حاکمیت حق بود.

دستورالعمل‌هایی از سیره امام(ع) برای امروز

حلقه حقیقه اجتهادی فقه سیاست و حکمرانی مدرسه عالی فقاهت عالم آل محمد(ع) پیام‌هایی کاربردی و عملی از سیره زندگی امام موسی کاظم(ع) برای جامعه امروزی عنوان کرد: اهمیت خواندن تاریخ زندگی ائمه اطهار(ع) بسیار زیاد است، چرا که با مطالعه دقیق دوران زیست بزرگان دینی، راهکارهایی عملی برای زیست کنونیمان در اجتماع بدست می‌آوریم. با تدبر در سیره امام کاظم(ع) و وقایع مرتبط با آن، دستورالعمل‌های ارزشمندی را برای جامعه امروز ایران و جهان امام می‌یابیم:

عبرت اصلی از شکست برنامه‌ریزی‌های دوران امام صادق(ع) لزوم زمان‌شناسی و رازداری است. جامعه امروز باید بداند عجله در اقدامات سیاسی بدون آمادگی کامل، می‌تواند منجر به انحراف مسیر انقلاب و غضب الهی شود. صبر استراتژیک، تضادی با آرمان‌خواهی ندارد.

مدل امام کاظم(ع) به ما می‌آموزد مقاومت باید سازمان‌یافته و همه‌جانبه باشد. حضور نمایندگان امام در سراسر جهان اسلام و هدایت قیام‌ها، نشان می‌دهد موفقیت در گرو شبکه‌سازی دقیق و مدیریت منسجم است، نه اقدامات پراکنده.

رد پیشنهاد فدک توسط امام، درسی بزرگ برای مسئولان امروز است. دشمن همواره تلاش می‌کند با دادن امتیازات جزئی و مسائل حاشیه‌ای، از اصل ماجرا و خطرات ساختاری بکاهد. هوشمندی سیاسی ایجاب می‌کند «شعارها» و اهداف اصلی (مانند استقلال کامل و حاکمیت ارزش‌ها) فدای منافع زودگذر نشود.

وجود قرآن و شمشیر کنار هم در اتاق امام، نماد هماهنگی میان معنویت و قدرت است. جامعه امروز باید بداند دفاع از ارزش‌های قرآنی، نیازمند آمادگی رزمی و قدرت سخت است و صرفاً به نصیحت اخلاقی اکتفا نمی‌شود.

دوران امام کاظم(ع) دورانی نبود که در آن، امام از صحنه سیاست کنار کشیده باشد؛ بلکه عرصه‌ای بود برای مدیریت بحران در دوران خفقان و تداوم مبارزه با اشکالی جدید. ایشان با درک اینکه «امروز شعار چیز دیگری است»، استراتژی خود را با شرایط تطبیق دادند اما از اصول جهاد و عدالت‌خواهی کوتاه نیامدند. زندگی و مبارزه ایشان به ما می‌آموزد حتی در سخت‌ترین شرایط زندان و تبعید، باید با هوشمندی سیاسی، شبکه تشکیلاتی را حفظ کرد و از پذیرش هرگونه سازش کاهلانه که ماهیت حکومت حق را خدشه‌دار می‌کند، دوری گزید. این نکته گرانبها، نقشه‌راهی برای نسل‌های امروز است تا در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی، دچار انحراف یا یأس نشوند.

نحوه زیست و اقدامات امام موسی کاظم(ع) پیامی برای امروز ما در خود دارد

امامت، حکمرانی بر قلب‌های مردم است

ریحانه عامل نیک| در سالروز و ماهی قرار داریم که هر دقیقه‌اش برایمان به منزله فرصت است، فرصتی که بتوان خود را به اولیای خداوند و ائمه اطهار(ع) نزدیک‌تر کرد. امروز شهادت امام موسی کاظم(ع) پدر بزرگوار امام هشتم(ع) است. دورانی که امام هفتم(ع) در آن زندگی می‌کردند، مصادف با نخستین مرحله استبداد و ستمگری خلفای عباسی بود. در تمام این دوران، امام موسی کاظم(ع) نه تنها دچار انفعال و بی‌تحرکی نشدند، بلکه با وجود حصر و محدودیت‌های مختلف با شیعیان در ارتباط بوده و میراث روایی، فقهی و الگویی از رفتار استراتژیک را برایی ما به جا گذاشتند. به منظور بررسی دقیق‌تر اقدامات و دریافت پیام ایشان برای امروز خود با آیت‌الله سید ابوالفضل طباطبایی اشکذری، مدیر مرکز تخصصی حوزوی جبل‌الصبر به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

مزین به صفاتی منحصر به فرد

آیت‌الله طباطبایی اشکذری با عرض تسلیت شهادت امام موسی کاظم(ع) به امت اسلام و شیعیان و فرزند بزرگوار ایشان، امام رضا(ع) بیان کرد: امام موسی کاظم(ع) به اعتراف خودی و غیرخودی از نظر شخصیتی دارای ابعاد گوناگون و منحصر به فردی بودند. ابن حجر هیتمی یا هیثمی که از دایره علاقه‌مندان به ائمه(ع) خارج بود درباره ایشان در کتاب الصّواعق المحرقة بیان می‌کند: «موسی کاظم در علم و معرفت و کمال و فضل، وارث پدر خویش بود، او از همه افراد پارساتر و داناتر و بخشنده‌تر بود» (ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصّواعق المحرقة، ج۲، ج۵۹). امام کاظم(ع) وارث پدر بزرگوارشان از نظر علم و معرفت بودند. در کمال و ارزش ایشان نسخه جایگزین امام صادق(ع) بودند. در مورد لقب‌های امام نیز در کتب تاریخی ذکر شده است: «از صفات والای اخلاقی امام کاظم(ع)، احسان و نیکی به مردم بود. نیازمندان بدو حاجت می‌بردند و نیاز خویش را از او برمی‌آوردند و باب‌الحوائج می‌دانستند. لقب مشهور امام(ع) «کاظم» است به معنای کسی که هنگام خشم، خویشتن‌داری می‌کند و خشم خود را فرومی‌برد و به آسانی از دیگران درمی‌گذرد» (قندوزی سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودّة، ج۳، ص۱۱۷).

شافی برای مردم

در بعد اخلاقی سیره امام موسی کاظم(ع) نیز آیت‌الله طباطبایی با اشاره به آنچه در کتب تاریخی غیرشیعی آمده است، مطرح کرد: بغدادی در کتاب تاریخ بغداد (۴۱۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۹) عنوان می‌کند باب‌الحوائج نیز از اقلیم امام موسی کاظم(ع) است، زیرا امام در برآوردن حوائج مردم و درخواست رفع آن‌ها از درگاه خداوند معروف بودند و از ویژگی‌های شخصیت ایشان، بندگی بود. امام، عابدترین بودند و در زمانه خودشان عابدترین بودند و مردم مدینه او را زَیْنُ الْمُجتهد بن یعنی زینت تلاشگران می‌نامیدند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص۲۳۵). سخاوت از دیگر ویژگی‌های ایشان بود. معروف است امام به نیازمندان کیسه‌هایی

اما در ادامه برشمردن ویژگی‌های امام(ع)، این حجر ایشان را دارای حلم معرفی می‌کند. باید در تفاوت حلم و صبر دقت کرد؛ چرا که صبر، عبارت است از ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نشدن و مقاومت کردن در بلایا و مصایب. اما حلم آن است که انسان نفس خود را در مشکلات نگه دارد تا غضب در وجودش غلیان نکند و به دیگران صدمه‌ای نزند. صفت حلیم دو آیات متعدد به خداوند متعال نسبت داده شده است که ما به واسطه حلم خداوند از غضب الهی در امان هستیم نه از باب صبر. مفسران در توضیح حلیم بودن خداوند، آن را به تأخیر او در عقوبت گناهکاران تفسیر کرده‌اند که از روی تغفل، لطف و با وجود توانایی بر کیفر ایشان، صورت می‌گیرد.

شافی برای مردم

در بعد اخلاقی سیره امام موسی کاظم(ع) نیز آیت‌الله طباطبایی با اشاره به آنچه در کتب تاریخی غیرشیعی آمده است، مطرح کرد: بغدادی در کتاب تاریخ بغداد (۴۱۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۹) عنوان می‌کند باب‌الحوائج نیز از اقلیم امام موسی کاظم(ع) است، زیرا امام در برآوردن حوائج مردم و درخواست رفع آن‌ها از درگاه خداوند معروف بودند و از ویژگی‌های شخصیت ایشان، بندگی بود. امام، عابدترین بودند و در زمانه خودشان عابدترین بودند و مردم مدینه او را زَیْنُ الْمُجتهد بن یعنی زینت تلاشگران می‌نامیدند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص۲۳۵). سخاوت از دیگر ویژگی‌های ایشان بود. معروف است امام به نیازمندان کیسه‌هایی

هدیه می‌دادند که معمولاً در آن‌ها ۱۰۰ تا ۵۰۰ دینار سکه بود. شافعی در کتاب خود به شأن امام(ع) و شب‌های باتهجد و عبادت‌های زیاد ایشان شهادت می‌دهد که شب‌ها در حال نماز بودند و روزها با زبان روزه به فقرا و دست‌گیری از دیگران توجه می‌کردند. اگر کسی به ایشان بدی می‌کرد ایشان با خوبی پاسخ داده و با عفو و بخشش رفتار می‌کردند و لقب «عبد صالح» را از سوی خداوند متعال و مردم دارا بودند.

در حصر و حبس هم نور ولایت روشن بود

کارشناس مسائل دینی و تاریخ تشیع با اشاره به دوران زیست و امامت ایشان بیان می‌کند: دوران امام(ع) همراه با فشار و در تنگناهای زیاد حاکم زمان یعنی هارون‌الرشید بود. در میان حکومت‌های عباسی شدت سخت‌گیری بر امام کاظم (ع) کم‌نظیر است. ایشان بخش قابل توجهی از عمر خود را در زندان بودند. موخران چهار زندان برای ایشان ذکر کرده‌اند. زندان‌هایی که هر کدام ویژگی‌های داشتند. آخرین زندان، زندانی نمرو و تاریک بود. درون زندان، شب و روز قابل تشخیص نبود و امام(ع) با استفاده از علم امامت خود برای عبادت، شب و روز را متوجه می‌شدند. ارتباط شیعیان با امام(ع) بسیار سخت بود. اما با وجود حبس و محاصره‌های سخت، میراث ارزشمندی در شیوه ارتباط با شیعیان با شبکه‌سازی و همچنین موارد چندی از نامه و کتب برای ما به جا گذاشتند. ایشان در این فرصت، هم برای خود و هم برای شیعیان اموری را صورت می‌دادند، چرا که امام در زندان هم که باشند، در حصر هم که باشند، امامتشان جریان دارد و ایشان از جامعه و خود غافل نبودند. با خدای خود به مناجات می‌پرداختند و راز و نیاز می‌کردند با این فحوا که «خدایا من همیشه از تو می‌خواستم در فرصتی ویژه تو را عبادت کنم. اکنون که در زندانم، خدایا شکرت که این فرصت برای من فراهم شده است» یعنی امام حتی در سختی‌های زندان‌های مختلف در مقابل خداوند، شاکر بوده و در آن شرایط نامساعد به دنبال افزونی کمالات خود به‌قرارای ارتباط با خدای متعال بودند.

اعلام مواضع در عمق محدودیت‌ها

مدرس حوزه و پژوهشگر دینی با اشاره به سختی‌های حبس و حصر امام(ع) عنوان کرد: امام موسی کاظم(ع) زندان را به مدرسه صابرین ملقب شدند. با این رویکرد، امام از زندان برای هارون نامه می‌نوشتند و از کارهای او غافل نبودند. در منابع اهل سنت این نامه وجود دارد با این مضمون: «ای هارون، فکر نکن من همیشه در سختی، تنگنا، فشار و حصر سیاسی و اقتصادی هستم و تو در آرامش قرار داری. بدان هر روزی که از روزگار سخت من می‌گذرد از روزگار آسایش تو کم می‌شود. ما در یک مسیر، عمر را صرف می‌کنیم؛ من با بندگی خدا روز و شب خود را می‌گذرانم و تو هر روزت را با طغیان، من و تو با هم به روزی خواهیم رسید که آن روز پایانی ندارد و آن روز قیامت است. در روز قیامت مشخص می‌شود چه کسی سود برده و چه کسی خسارت دیده است. ممکن است خسارت تو در این دنیا مشخص نشود ولی در روز قیامت این امر مشخص می‌شود».

ملاحظه گردید که امام(ع) حتی با همه فشارها از ارسال نامه به هارون‌الرشید موضع سیاسی خود را مشخص کردند. زندان مبدل به مدرسه مقاومت شد. این عملکرد امام برای امروز ما پیامی دارد؛ کسانی که بر باطل حرکت کردند، دشمنی ورزیدند و خواستار به انحراف کشاندن جامعه بودند در روز قیامت متوجه خسارت‌هایشان می‌شوند. ممکن است در این دنیا مشخص نشود اما خداوند روز قیامت را برای ما قرار داده است. این نامه اتخاذ موضع سیاسی امام در برابر طاغی زمانه است. امام نگفتند ما در زندان با مصائب زیاد روبه‌رو هستیم؛ پس کاری نکنیم. اکنون دشمنان با ما سر جنگ برداشته‌اند و هر روز به شکلی ما را تحت فشار قرار می‌دهند. روزی با جنگ، روزی با تحریم و روزی با اغتشاش و اجیر کردن تروریست‌های اجاره‌ای و مزدورها؛ ما باید به پیام عملکرد امام موسی کاظم(ع) در آن شرایط سخت توجه کنیم. همان‌طور که بزرگان انقلاب، ما نیز بر همین سیره رفتار کردند. امام خمینی(ره) کتاب تحریرالوسیله را در حصر و تبعید در ترکیه نوشتند و از فضای تبعید استفاده کردند. همچنین رهبر معظم انقلاب در ایران شهر تبعید بودند ولی توانستند فضایی برای تبلیغ بسازند.

مقابله با انحراف توسط امام دل‌ها

آیت‌الله اشکذری با اشاره به اهمیت اعلام مواضع در موقعیت‌های حساس تاریخی از سیره امام هفتم(ع) بهره گرفته و بیان کرد: امام موسی کاظم(ع) در هر فرصتی مقام امامت خود را به رخ دشمن می‌کشیدند و سعی داشتند دشمن از راه‌های مختلف تضعیف کند. بنابه نقل ابن اثیر: «هارون‌الرشید که در ماه رمضان سال ۱۷۹ به قصد عمره به مکه می‌رفت، در سر راه خود به مدینه آمد و وارد روضه رسول خدا(ص) شد. وی برای جلب توجه مردم به منظور اینکه رابطه نسبی خویش با رسول خدا(ص) را به رخ آن‌ها بکشد، پس از زیارت مرقد مطهر به پیامبر(ص) اینچنین سلام داد: السّلام علیک یا رسول اللّه یا بن عمّ؛ سلام بر تو ای رسول خدای پسر عمو. در این هنگام موسی بن جعفر(ع) که در آن مجلس حاضر بود، پیش آمد و خطاب به رسول خدا(ص) گفت: السّلام علیک یا ابة؛ سلام بر تو ای پدر. با شنیدن این سخن، رنگ از رخسار هارون پرید و خطاب به امام کاظم(ع) گفت: هذا الفخر یا ابالحسن جدّاً؛ این مایه افتخار است ای ابوالحسن. پس از آن بود که هارون دستور توقیف و نه از روی عصبیت، بلکه از روی رحمت، عدالت‌طلبی و دفاع از حق بود. امام کاظم(ع) در شرایطی زندگی کرد که فرصت بیان صریح خشم وجود نداشت، اما حضم در عمق دل و روح جاودانه بود و در مسیر ایمان و دفاع از حق فعالیت می‌کرد. این خشم، مستند، مدبر و دینی بود، نه گریانی به تخریب یا افراط.

امام خمینی(ره) فرمود: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». این عبارت نمادی از مقاومت و بیان صریح در برابر ظلم است. اما امام موسی کاظم(ع) در شرایطی زندگی کرد که فرصت بروز خشم در قالب فعالیت ظاهری وجود نداشت. حضرت خشم بجا داشت، اما آن را در عمق دل و روح حفظ کرد. این خشم، نه از عصبیت، بلکه از عدالت‌طلبی و دفاع از حق بود. این تفاوت در ماهیت خشم، نشان‌دهنده تفاوتی اساسی میان خشم بی‌جایگاه و خشم مستند است.

خشم بجا، نه عیب اخلاقی، بلکه نشانه‌ای از اخلاق و عدالت است. بسیاری از افراد در تفکر دینی، خشم را به عنوان نشانه‌ای از بداخلاقی می‌دانند و صلح کامل را بدون مقاومت می‌پذیرند. این دیدگاه، تحریفی از شخصیت اهل بیت(ع) است. امامان (ع) نه تنها صلح‌طلب بودند، بلکه در برابر ظلم، سرداران مقاومت به شمار می‌رفتند. انسان متعادل، هم جاذبه (میل به خیر) و هم دافعه (میل به مقاومت در برابر شر) دارد. اگر دافعه را نادیده بگیریم، می‌توانیم در معرض ظلم قرار بگیریم، اما اگر فقط دافعه داشته باشیم، می‌توانیم به افراط برسیم. امام کاظم(ع) نمونه‌ای از این تعادل میان جاذبه و دافعه بود.

شیخ مفید در تفسیر لقب «کاظم» اشاره می‌کند: «سُمِّیَ بِالْکَاظِمِ لِمَا کَظَمَهُ مِنَ الْغَیْظِ وَ صَبَرَ عَلَیْهِ مِنْ فِعْلِ الظَّالِمِینَ بِهِ حَتَّی مَضَی قَتِیلًا فِی حَبْسِهِمْ وَ وَثَاقِهِم»، این بیان نشان می‌دهد لقب کاظم، نه به خاطر تسلیم و بی‌عزمی، بلکه به خاطر کنترل مطلق بر خشم در برابر ظلم و ستم است. حضرت موسی بن جعفر(ع) در برابر ستمگران، خشم خود را فرو خورد تا در جایگاه ایمان و عدالت، ایستادگی کند. او در میان ظلم، خشم بجا داشت اما در برابر فرصت بروز آن، سکوت کرد. این سکوت، توانایی فعالیت در مسیر ایمان و عدالت بود.

ما معمولاً حضرت موسی بن جعفر(ع) را به عنوان امامی آرام و متعادل می‌شناسیم اما دوراقی، زندگی او یک مبارزه سیاسی و اجتماعی بود. این مبارزه در برابر مستکبران زمان، در برابر ظلم و ستم و در برابر ناانصافی بود. در این میان شیخ مفید، اشاره می‌کند حضرت هر جا فرصت کرد، این اظهار بیزاری از دشمن را بروز داد. این خشم بجا، نه تنها در برابر ظلم، بلکه در برابر سکوت بود.

در این میان، رهبر معظم انقلاب در توصیف شخصیت امام کاظم(ع)، به یک نکاتی خصوصی اشاره می‌کنند که در آن سه چیز آویزان بود: یک شمشیر، یک لباس جنگی و یک قرآن. این سه، نمادهایی از شخصیت حضرت هستند. شمشیر، نشانه‌ای از جهاد و مبارزه؛ لباس جنگی، نشانه‌ای از زندگی خشن و رزمی و قرآن، نشانه‌ای از اهداف است. این سه، نشانه‌ای از یک انسان جنگی و مکتبی است که می‌خواهد با این وسایل به زندگی قرآنی برسد و این سخت‌ها را هم تحمل کند. خشم عادلانه امام موسی کاظم(ع) نه واکنشی احساسی، بلکه بستری برای مقاومت و استبارستیزی بود؛ مبارزه‌ای مستمر و هوشمندانه در برابر ظلم و ستم و به ایمان و عدالت‌طلبی در هم آمیخته بود و در نهایت، راه را برای الگوبرداری در مسیر مقاومت و دفاع از حق هموار کرد.

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر سیدسجاد ایزدهی
رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

امام موسی کاظم(ع)؛ رهبری که سردار مقاومت بود

لقب «کاظم الغیظ» برای امام موسی کاظم(ع) نه به معنای تسلیم یا بی‌عزمی، بلکه به عنوان نماد کنترل مطلق بر خشم در برابر ظلم و ستم است. این خشم، نه از روی عصبیت، بلکه از روی رحمت، عدالت‌طلبی و دفاع از حق بود. امام کاظم(ع) در شرایطی زندگی کرد که فرصت بیان صریح خشم وجود نداشت، اما خشم او در عمق دل و روح جاودانه بود و در مسیر ایمان و دفاع از حق فعالیت می‌کرد. این خشم، مستند، مدبر و دینی بود، نه گریانی به تخریب یا افراط.

امام خمینی(ره) فرمود: «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». این عبارت نمادی از مقاومت و بیان صریح در برابر ظلم است. اما امام موسی کاظم(ع) در شرایطی زندگی کرد که فرصت بروز خشم در قالب فعالیت ظاهری وجود نداشت. حضرت خشم بجا داشت، اما آن را در عمق دل و روح حفظ کرد. این خشم، نه از عصبیت، بلکه از عدالت‌طلبی و دفاع از حق بود. این تفاوت در ماهیت خشم، نشان‌دهنده تفاوتی اساسی میان خشم بی‌جایگاه و خشم مستند است.

خشم بجا، نه عیب اخلاقی، بلکه نشانه‌ای از اخلاق و عدالت است. بسیاری از افراد در تفکر دینی، خشم را به عنوان نشانه‌ای از بداخلاقی می‌دانند و صلح کامل را بدون مقاومت می‌پذیرند. این دیدگاه، تحریفی از شخصیت اهل بیت(ع) است. امامان (ع) نه تنها صلح‌طلب بودند، بلکه در برابر ظلم، سردارانِ مقاومت به شمار می‌رفتند. انسان متعادل، هم جاذبه (میل به خیر) و هم دافعه (میل به مقاومت در برابر شر) دارد. اگر دافعه را نادیده بگیریم، می‌توانیم در معرض ظلم قرار بگیریم، اما اگر فقط دافعه داشته باشیم، می‌توانیم به افراط برسیم. امام کاظم(ع) نمونه‌ای از این تعادل میان جاذبه و دافعه بود.

شیخ مفید در تفسیر لقب «کاظم» اشاره می‌کند: «سُمِّیَ بِالْکَاظِمِ لِمَا کَظَمَهُ مِنَ الْغَیْظِ وَ صَبَرَ عَلَیْهِ مِنْ فِعْلِ الظَّالِمِینَ بِهِ حَتَّی مَضَی قَتِیلًا فِی حَبْسِهِمْ وَ وَثَاقِهِم»، این بیان نشان می‌دهد لقب کاظم، نه به خاطر تسلیم و بی‌عزمی، بلکه به خاطر کنترل مطلق بر خشم در برابر ظلم و ستم است. حضرت موسی بن جعفر(ع) در برابر ستمگران، خشم خود را فرو خورد تا در جایگاه ایمان و عدالت، ایستادگی کند. او در میان ظلم، خشم بجا داشت اما در برابر فرصت بروز آن، سکوت کرد. این سکوت، توانایی فعالیت در مسیر ایمان و عدالت بود.

ما معمولاً حضرت موسی بن جعفر(ع) را به عنوان امامی آرام و متعادل می‌شناسیم اما دوراقی، زندگی او یک مبارزه سیاسی و اجتماعی بود. این مبارزه در برابر مستکبران زمان، در برابر ظلم و ستم و در برابر ناانصافی بود. در این میان شیخ مفید، اشاره می‌کند حضرت هر جا فرصت کرد، این اظهار بیزاری از دشمن را بروز داد. این خشم بجا، نه تنها در برابر ظلم، بلکه در برابر سکوت بود.

در این میان، رهبر معظم انقلاب در توصیف شخصیت امام کاظم(ع)، به یک نکاتی خصوصی اشاره می‌کنند که در آن سه چیز آویزان بود: یک شمشیر، یک لباس جنگی و یک قرآن. این سه، نمادهایی از شخصیت حضرت هستند. شمشیر، نشانه‌ای از جهاد و مبارزه؛ لباس جنگی، نشانه‌ای از زندگی خشن و رزمی و قرآن، نشانه‌ای از اهداف است. این سه، نشانه‌ای از یک انسان جنگی و مکتبی است که می‌خواهد با این وسایل به زندگی قرآنی برسد و این سخت‌ها را هم تحمل کند. خشم عادلانه امام موسی کاظم(ع) نه واکنشی احساسی، بلکه بستری برای مقاومت و استبارستیزی بود؛ مبارزه‌ای مستمر و هوشمندانه در برابر ظلم و ستم و به ایمان و عدالت‌طلبی در هم آمیخته بود و در نهایت، راه را برای الگوبرداری در مسیر مقاومت و دفاع از حق هموار کرد.

نیم نگاه

نگاهی به احادیث
و روایت‌هایی که از پدر امام رضا (ع) به یادگار مانده است

میراثی غنی از عبد صالح خدا

ریحانه عامل نیک | وقتی حرف از شناخت افراد است، معمولاً آن که ایمن‌تر و صادق‌تر است، بیشتر قابل اعتماد خواهد بود و چه نیکو که این شخص ایمن و صادق نزدیک‌ترین شخص به آن فرد باشد. از این منظر، امام رضا(ع) نیکوترین و با اعتمادترین منبع برای معرفی پدر گرامیشان امام موسی کاظم(ع)، عبد صالح خدا هستند. برجسته‌ترین ویژگی که امام رضا(ع) درخصوص پدر گرامیشان نقل می‌کنند، خرد و خردورزی ایشان است. علی بن اسباط، از یاران امام رضا(ع)، نقل می‌کند: «خدمت امام رضا(ع) بودیم که صحبت از پدر ایشان به میان آمد؛ آن حضرت در مورد پدر گرامیشان فرمودند: «کَانَ عَقْلُهُ لَا یُوَازَنُ بِهِ الْعُقُولُ» هیچ کدام از عقول هم‌سطح و هم‌وزن با عقل امام کاظم(ع) نیست». امام کاظم(ع) از سرآمدان عصر خود بودند و در بحث و درس، جایگاه ویژه‌ای داشتند. به همین خاطر در کنار مقام علمی به سخنوری و فصاحت نیز شهره بودند. شیخ حر عاملی در کتاب «اثبات الهدایه» از زکریا بن آدم نقل می‌کند که از امام رضا(ع) شنیده است: «کَانَ أَبِی مِمَّنْ تَکَلَّمَ فِی الْمَهْدِ» یعنی پدرم از کسانی بود که در گهواره سخن گفت. این روایت به یکی از کرامات و ویژگی‌های خاص امام کاظم(ع) اشاره دارد. همچنین امام رضا(ع) درباره سیره عملی امام کاظم(ع) بر اهمیت مشورت و هم‌فکری با دیگران تأکید دارند و می‌فرمایند: ایشان به موضوع مشاوره بسیار توجه داشتند؛ حتی از نظرات بردگان سیاه‌پوست نیز استفاده می‌کردند.

روایات، مناظره و گفت‌وگوی علمی

با توجه به این شرح، عجیب نیست این امام بزرگوار در عرصه خرد و علم سرآمد باشند. از امام کاظم(ع) فعالیت‌های علمی متفاوتی گزارش شده است؛ متن این فعالیت‌ها در قالب روایات، مناظره و گفت‌وگوی علمی در کتاب‌های حدیثی شیعه آمده است. یکی از میراث‌های گرانبهای امام کاظم(ع) احادیث و روایت‌هایی است که از این امام بزرگ برای ما به یادگار مانده است، زیرا شاگردان ایشان که در محضر این امام بزرگوار تلمذ می‌کردند، همگی از دانشمندان و راویان بزرگ احادیث تشیع بوده‌اند و سخنان ایشان را در هر فرصتی ثبت و ضبط و ترویج کرده‌اند.

سخنانی که نقش بسیار مهمی در ترویج معارف شیعی داشته و

آن‌ها می‌توان دعای جوشن صغیر را نام برد.

بررسی نقش حضرت موسی‌بن جعفر(ع) در گسترش تشیع

نسل با برکت امام کاظم(علیه‌السلام)

مریم احمدی شیروان | در میان ائمه هدی(ع)، امام کاظم(ع) دارای بیشترین تعداد فرزند است و این ویژگی، نه تنها از نظر جمعیتی، بلکه از لحاظ تأثیر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مسیری طولانی و پیچیده در تاریخ اسلام و جامعه ایران داشته است. امروزه جمعیت سادات در سراسر جهان به‌بیش از ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد و بیشتر خانواده‌های موسوی، نسل موسی بن جعفر(ع) هستند. در کشور ما هر جایی که پا می‌گذارید، گواهی از حضور فرزندان و نوادگان این امام بزرگ است. این خانواده‌های موسوی، نه تنها در زمینه‌های علمی و فرهنگی، بلکه در سیاست و اجتماع نیز نقش‌های محوری ایفا کرده‌اند. امامزادگان، قطب‌های فرهنگی و معنوی کشور هستند و اثر آن‌ها در ادای نیازهای روحی و روانی مردم، قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. مطالعات روان‌شناختی می‌تواند تأثیرات مثبت این امامزادگان را در خلق حس امنیت، آرامش و شادی در افراد نشان دهد. اما این تأثیرات، نه تنها از نظر روانی، بلکه از لحاظ معماری، فرهنگ و سیاست نیز قابل تحلیل است. امام خمینی(ره) نیز از نسل موسی بن جعفر(ع) بود و این امر نشان‌دهنده تأثیر عمیق این خانواده در تاریخ معاصر ایران است.

امروز، در ۲۵ رجب سالروز شه